

روایت کوچه‌ای که امروز نیمه است و در گذشته نام عجیبی داشته است

راه رسیدن به حرم از «رودخانه» می‌گذشت

رضا سلیمان نوری

هنگامی که از دوستانِران تاریخ و فرهنگ مشهد، درباره قدیمی ترین فضاهای میدانی مشهد سؤال کنید بی تردید یکی از نخستین گزین‌ها میدانگاهی محله چهارباغ است. میدان‌که روزگاری نه چندان دور و تا پیش از آغاز آخرین مرحله از تغییرات بنیادی بافت اطراف حرم مطهر رضوی دارای چهار ورودی مهم بود و اکنون سه ورودی دارد. کوچه حاج محمود هراتی در جریان این نوسازی‌ها به طور کامل از بین رفت و الان هرچند گذری از بین مجموعه‌های تجاری اقامتی ساخته شده و در حال ساخت در محل آن ایجاد شده است. اما دیگر آن کوچه نیست و هویتی ندارد. درباره گذشته و حال دو ورودی مهم دیگر این میدان، یعنی کوچه چهارباغ منشعب از خیابان آیت... شیرازی کنونی و بالاخیابان قدیم و کوچه مخابرات منشعب از خیابان آیت... خزعلی کنونی هم پیش از این در همین صفحه توضیحاتی ارائه کردیم. اینک در این شماره به سراغ چهارمین ورودی یا به عبارت بهتر مهم‌ترین خروجی میدانگاهی چهارباغ می‌رویم و آن را که بر اثر ساخت‌وسازهای جدید نیمه شده است، به شما معرفی می‌کنیم.

- در دازای تاریخ

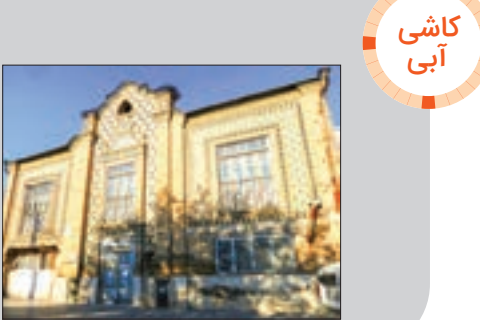
وقتی نقشه‌های گذشته شهر امروزی کنیم، با نکته جالبی درباره گذشته کوچه موردنظر مواجه می‌شویم. بر اساس نقشه «جولیس دالمج» (سال ۱۲۴۸ خورشیدی)، این کوچه که در امتداد کوچه مخابرات یا بهتر بگوییم بخش پایانی مسیر بازارچه سراب به حرم مطهر واقع شده، پیش از احداث میدانگاهی چهارباغ هم وجود داشته است. به عبارت بهتر، هر چند در اسناد مکتوب مربوط به گذشته مشهد نام محله چهارباغ از دوران تیموری دیده‌می‌شود، اما به روایت نقشه‌های موجود، میدانگاهی چهارباغ عمری دراز ندارد و سال‌ها پس از تولد این محله، ایجاد شده است، البته این نقشه نکات جالب توجه دیگری را هم بازگو می‌کند که نه تنها در زمان کنونی که حتی در نقشه سال ۱۳۱۰ مشهد هم اثری از اغلب آن‌ها دیده نمی‌شود. برای نمونه گویا در حداقل میدان چهارباغ تا مدرسه فاضل خان که این کوچه از طریق آن به حرم مطهر رضوی وصل می‌شده است، چند بنای ارزشمند در آن دوران وجود داشته است که اکنون اثری از هیچ کدام نیست. خانه حاجی قوام، تکیه شاطرها، حمام سالار، خان یا کاروان‌سرای مساری میرزا هادی، عمارت سهام الدوله و خان شیخ عبدالرحیم از آن جمله هستند.

- به سال ۱۳۱۰

اما وضعیت این کوچه در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، تغییر قابل ملاحظه‌ای با حدود ۶۰ سال پیش پیدا کرده است. مهم‌ترین تغییر نیز نام و نشان دادن کوچه موردنظر است. این کوچه که در اسناد دوران قاجار به همان نام کوچه چهارباغ و در برخی موارد حتی سراب شناخته می‌شد، در این نقشه به نام «کوچه رودخانه» معرفی شده است. دلیل این نام گذاری در نقشه مشخص نیست،

یادی از یک خانه قدیمی که در میان خانه‌های تاریخی شهر معماری منحصر به فردی دارد

سالار خانه‌های مشهد



کاشی آبی

گروه تاریخ و هویت! بهمن، سال هاست که یادآور روزهای مبارزه مردم ایران برای به ثمر نشاندن انقلاب اسلامی است. رویدادی مبارک که پژوهشگران بسیاری را در طول بیش از چهار دهه به صرافت مطالعه در باب موضوع‌ها، حوادث و رخداد‌های آن انداخته است. بر همین

اساس جمعی از نویسندگان خراسانی نیز تلاش کرده‌اند تا در کتابی با عنوان «مشهد، از مقاومت تا پیروزی ابربرسی مبارزات علما و مردم مشهد از سال ۱۳۴۱ (۱۳۵۷ تا...)» چشم اندازی از مشهد این دوران و نقش تأثیرگذار این شهر و چهره‌های شاخص انقلابی آن در منظر تماشا بگذرانند. این کتاب که مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در سال ۱۳۹۳ چاپ و منتشر کرده است، دارای سه فصل با ریز موضوع‌های مختلف از رویدادهای انقلابی مشهد است که بازه زمانی حوادث و رویدادهای سال ۱۳۴۱ تا ۵۷ قرن گذشته را شامل می‌شود. در بخشی از کتاب «مشهد، از مقاومت تا پیروزی، در روایت

- سال‌های نخست پس از انقلاب

کوچه رودخانه در سال‌های منتهی به انقلاب دیگر بدین نام شناخته نمی‌شد و همه آن را با نام کوچه «سادات رضوی» می‌شناختند. دلیل این نام‌گذاری هم احداث بنای رضویه قائم مقام سادات رضوی در این کوچه بوده که در اصل بنایی برای اجتماع و برگزاری آیین‌های خانوادگی سادات رضوی مقیم مشهد است. در این سال‌ها دیگر از تکیه شاطرها و کاروان‌سراهای مسافری میرزا هادی و شیخ عبدالرحیم خبری نیست، آن چنان که خانه حاجی قوام به مخروبه‌ای دور دیوار شده و حمام سالار نیز به مجموعه‌ای نیمه ویرانه تبدیل شده بودند. این کوچه اما به دو دلیل دیگر زباند مردم بود، نخست به دلیل وجود چند فروشگاه بزرگ پارچه که در اصل منازلی تبدیل شده به فروشگاه بودند، در این منازل به جای فروش پارچه به صورت متری مرسوم، مردم پارچه را کیلویی می‌خریدند و همین امر هم باعث اقبال بالای مردم به این فروشگاه‌ها شده بود، اما دومین جاذبه این کوچه ریشه در گذشته آن داشت. به مرور زمان کوچه‌ای که زمانی محل اجتماع فعالان حرفه سنگ قیر تراشی شده بود با تخریب راسته بازار سنگ تراش‌های بازار بزرگ مشهد به محل اجتماع آنان تبدیل شده بود و شاغلان در آن علاوه بر سنگ قیر به ساخت ظروف سنگی چون هرکاره و البته وسایل تزئینی سنگی هم‌رو می‌آورد بودند و همین امر هم رفت‌وآمد زائران بسیاری به این راسته کوچه بازار شده را سبب شده بود.

- وضعیت کنونی کوچه رودخانه

وضعیتی که در بالا بدان اشاره شد تا حدود اواسط دهه ۷۰ قرن ۱۴ خورشیدی و آغاز طرح موسوم به تاش در اطراف حرم مطهر رضوی تقریباً ثابت مانده بود و تنها برخی خانه‌های

مسکونی این محدوده به خانه‌های مسافری تبدیل شده بودند. اما اجرای طرح نوسازی اطراف حرم وضعیت کوچه رودخانه سابق را که زمانی محل عبور خروشان زائران حضرت ثامن^(ع) بود، به صورت کامل تغییر داد تا جایی که اگر بنای سادات رضوی هم تخریب شده بود به قاطعیت می‌توان گفت که روایت کنونی کوچه رودخانه قدیم همان روایت معروف «نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان بود» است، زیرا نه دیگر از قدیمی‌های ساکن این کوچه کسی مانده است و نه دیگر بنایی قدیمی (جز یکی دو بنا) در آن به حیات خود ادامه می‌دهند.

اکنون سمت چپ این کوچه به طور کامل تخریب و یک مجموعه اقامتی تجاری در بخشی از آن احداث شده است. همچنین یکی دو مجموعه دیگر هم در همین محدوده در حال احداث هستند. این ساخت‌وسازها محدوده ابتدایی کوچه آیت... قمی فعلی و مسجد شاه قدیم را در خود بلعیده و در نتیجه ارتباط کوچه سادات رضوی کنونی و محله و میدانگاهی چهارباغ با محدوده بازار مشهد قطع شده است. این قطعی ارتباط السبه روحانین به ویژه قباویک کتاب‌فروشی ویژه روحانیت که تنها کتب حوزوی دارد، به اهل علم مشهد خدمات می‌دهند. درست در کنار یکی از این دو فروشگاه، مجموعه‌ای است که هیچ مخاطبی انتظار فعالیت آن در این محدوده را ندارد. این مجموعه یک آموزشگاه گوهر تراشی است که بازگوکننده اهمیت این صنف در مشهد است و گواه صادقی است بر اینکه مشهد به حق شهر جهانی گوهر سنگ‌ها شده است. این کوچه به‌رغم تمام تخریب‌ها هنوز هم به حرم مطهر منتهی می‌شود با این تفاوت که در قدیم از طریق مدرسه فاضل خان به بارگاه رضوی متصل می‌شد و اکنون زائران از طریق ورودی صحن غدیر به حرم رضوی می‌رسند، البته در دست در انتهای این کوچه و نقطه تلاقی این محدوده حرم مطهر رضوی شاهد یک کهن سازه ساخته شده با مصالح و ابزار جدید هستیم که خود جاذبه‌ای نو برای این کوچه محسوب می‌شود. این کهن سازه ساباتوی است که در میانه هتل و بازار رضوی ایجاد شده است تا زائران استفاده از این رودخانه انسانی قدیمی چون گذشته دسترسی آسانی به حرم مطهر رضوی داشته باشند.

به طور کامل نابود شدند. به رغم همه این نابودی‌ها زندگی در سمت چپ این کوچه همچنان جاری است. در این سمت هرچند برخی بناهای قدیم از جمله محدوده خانه حاجی قوام و کاروان‌سرای سنگ تراش‌ها به طور کامل نابود شده، اما ایجاد چند بنای جدید در بازگوکننده حفظ روح زندگی در این کوچه تاریخی است.

نکته جالب توجه در این محدوده پس از تعداد قابل توجه بناهای زائرپذیری چون مهمان‌پذیر فدک و هتل امیرکبیر در آن وجود چند فروشگاه مرتبط با روحانیت در آن است. در این راسته دو فروشگاه تولید السبه روحانین به ویژه قباویک کتاب‌فروشی ویژه روحانیت که تنها کتب حوزوی دارد، به اهل علم مشهد خدمات می‌دهند. درست در کنار یکی از این دو فروشگاه، مجموعه‌ای است که هیچ مخاطبی انتظار فعالیت آن در این محدوده را ندارد. این مجموعه یک آموزشگاه گوهر تراشی است که بازگوکننده اهمیت این صنف در مشهد است و گواه صادقی است بر اینکه مشهد به حق شهر جهانی گوهر سنگ‌ها شده است. این کوچه به‌رغم تمام تخریب‌ها هنوز هم به حرم مطهر منتهی می‌شود با این تفاوت که در قدیم از طریق مدرسه فاضل خان به بارگاه رضوی متصل می‌شد و اکنون زائران از طریق ورودی صحن غدیر به حرم رضوی می‌رسند، البته در دست در انتهای این کوچه و نقطه تلاقی این محدوده حرم مطهر رضوی شاهد یک کهن سازه ساخته شده با مصالح و ابزار جدید هستیم که خود جاذبه‌ای نو برای این کوچه محسوب می‌شود. این کهن سازه ساباتوی است که در میانه هتل و بازار رضوی ایجاد شده است تا زائران استفاده از این رودخانه انسانی قدیمی چون گذشته دسترسی آسانی به حرم مطهر رضوی داشته باشند.

ساخته می‌شوند، اما در خانه سالاری همه این مفاهیم طور دیگر و پنجره‌ها رو به خیابان است.

آدرس: چهارراه شهدا،
خیابان آیت... شیرازی ۱۷، پست‌باغ نادری
قدمت: حدود ۱۰۰ سال
وضعیت: در حال مرمت
وسعت: بیش از ۳۰۰ متر مربع
تاریخ ثبت ملی: ۱۲ تیر ۱۳۸۴

کرده است. ویژگی‌های منحصر به فرد معماری آن و به ویژه سردر فاخر و زیبایش است که تنها یک نمونه مشابه در مشهد دارد. خانه سالاری همچنین از جمله خانه‌های دوره پهلوی اول در مشهد است که به سبک معماری تهران و احتمالاً بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ ساخته شده است. با اینکه این سبک از معماری در دوره قاجار، ابداع و استفاده می‌شد، عناصر زیادی از آن در ساخت خانه سالاری دیده می‌شود. نکته جالبی که در این خانه وجود دارد، دردی‌گرا بودن آن است. در حالی که همه منازل تاریخی مشهد ساختارشان درون گراست. ناگفته نماند که ساختار معماری ایران درون گراست و همه اجزاء و عناصر خانه حول محور حیاط و میان‌سرا شکل می‌گیرند. یعنی حیاط در مرکز است و بقیه ساختار مثل اتاق‌ها و چیزهای دیگر دور آن

گروه تاریخ و هویت! جشن سده در خراسان

روزه تاریخ و هویت! جشن سده یکی از جشن‌های کهن ایرانی است که تقریباً در تمام روستاهای خراسان انجام می‌شود و با گذشت چند هزار سال از عمر آن همچنان زنده و جاوید است. این جشن در خراسان روز دهم بهمن یعنی پنجاه روز پیش از نوروز آغاز می‌شود و معمولاً سه روز به طول می‌انجامد. درباره وجه تسمیه نام این جشن نیز روایت‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آنان را ملا مظفر گنابادی نقل می‌کند و می‌نویسد: «وجه تسمیه سده به صد آن است که چون کیومرث را صد فرزند به وجود آمده بود از ذکرو و اناث و همه آنان در این وقت (بهمن) به رشد و نمو رسیده بودند. در این شب جشن نمودند و کیومرث فرمود، تا آتش بسیار افروختند. به این جهت نام آن را سده نامیدند.» عده‌ای نیز معتقدند که در این روز آدم ابوالبشر نخستین صدروز نخستین زندگانی خود را به پایان رسانده و بر این اساس است که جشن سده‌یاب شده است.



البته ابوریحان در کتاب التفهیم هم معتقد است که در بهمن ماهی تعداد فرزندان حضرت آدم به عدد صد می‌رسد و جشن سده برای این است. اما اشعار و تصنیف‌هایی که در جشن سده خوانده می‌شود، گواه ارتباط این جشن با نوروز دارد. خراسانیان در جشن سده به دور آتش می‌گردند و چنین می‌خوانند: «آی سده، سده، شده / سد به غله، پنجه به نوروز.» یعنی صد روز به برداشت غله تازه مانده و پنجاه روز به نوروز.



۳ بهمن ۱۳۵۷؛ تصرف شهر قم توسط مردم انقلابی



نمایی از یکی از تظاهرات مردم قم به سوی حرم حضرت معصومه^(س) در روزهای اوج گیری انقلاب

بیات

۳ بهمن ۱۳۵۷ روزی است که شهر قم به دست مردم می‌افتد. به عبارت دیگر سوم بهمن ۱۳۵۷ و تصرف شهر، پایان راهی است که مردم از سال ۱۲۴۱ شروع کرده‌اند.

شاه در ۱۹ دی سال ۱۲۴۱ از مردم می‌خواهد تا در انتخابات نمایشی شرکت کنند و برای اجرای اهداف انقلاب سفید به لویج پیشنهادی رأی بدهند. مردم شهر قم با هدایت و رهبری امام خمینی^(ع) این رأی‌گیری را تحریم می‌کنند و به مخالفت با آن می‌پردازند. چند روز بعد یعنی زمانی که ۴ بهمن محمدرضا شاه پهلوی برای جلب اعتماد علمای حوزه و مردم به این شهر سفر می‌کند، هنگامی که در میدان آستانه از اتومبیل خود پیاده می‌شود هیچ خبری از مردم استقبال‌کننده نیست، حتی کارمندان اداری و دولتی و روحانیون نیز نیستند. همین است که از رفتن به حرم حضرت معصومه^(س) منصرف می‌شود و از همان جا بازمی‌گردد.

دوم فروردین سال ۱۲۴۲ که مصادف است با سالگرد شهادت امام جعفر صادق^(ع) حادثه‌ای دیگر در تاریخ انقلاب شهر قم رقم می‌خورد. مردم و روحانیان در مدرسه فیضیه مشغول عزاداری هستند که امامان برای برهم‌زدن این برنامه به مدرسه هجوم می‌برند. خونریزی این هجوم باعث خشم ملت علیه شاه و حکومت مستبد او می‌شود. دوماء بعد و در حالی که بیش از دو روز از عاشورای سال ۱۲۴۲ نگذشته، رژیم در ۱۵ خرداد، امام خمینی^(ع) را شبانه دستگیر می‌کند. مردم قم همین که از موضوع اطلاع پیدا می‌کنند به اطراف منزل امام هجوم می‌آورند و با سردادن شعار، یا مرگ یا خمینی، خشم و نفرت خود را علیه رژیم ابراز می‌کنند. تجمع مردم قم به یک راهپیمایی عمومی تبدیل می‌شود و در نهایت مردم در حرم حضرت معصومه^(س) تجمع می‌کنند و خواستار آزادی امام می‌شوند. در این شرایط است که صدای گلوله‌های نظامیان و رگبار مسلسل آنان موج جمعیت را می‌شکند و تنی چند از مردم در خون خود می‌غلطند. چند روز بعد امام با اعلام عزای عمومی، نقطه آغاز انقلاب را با خون‌های بر زمین ریخته ۱۵ خرداد شهر قم اعلام می‌کنند.

در طول چهارده سال بعد اگر چه تظاهرات و اقدام عمومی علیه رژیم شاه در قم انجام نمی‌شود، اما این شهر همچنان کانون مخالفان حکومت پهلوی است، به همین علت پس از درگذشت فرزند امام، حاج آقا مصطفی خمینی، در تاریخ ۵ دی ۱۲۵۶ مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات منتشر می‌شود، مردم و طلاب قم خشمگین می‌شوند و به میدان می‌آیند. آن‌ها در ۱۹ دی تظاهراتی بر ضد رژیم پهلوی به راه می‌اندازند، اما این حرکت با بر خورد مسلحانه رژیم مواجه می‌شود و تعدادی از مردم به شهادت می‌رسند. با قیام مردم قم در ۱۹ دی ماه، آتش انقلاب که مدت‌هاست زیر خاکستر مخفی شده، بار دیگر شعله‌ور می‌شود و برق‌آسا به دیگر شهرها سرایت می‌کند.

شهرها یکی پس از دیگری به اعتراض علیه رژیم شاهنشاهی برمی‌خیزند تا همه چیز به دی ۱۳۵۷ می‌رسد؛ وقایع خونین مشهد ۹ و ۱۰ دی بار دیگر اعتراض مردم و علمای قم و دیگر شهرهای کشور را برمی‌انگیزد و آن‌ها را به میدان می‌آورد. این‌گونه است که ساختار رژیم پهلوی در پایان این ماه از هم می‌پاشد.

مردم ایران در قطعنامه پایانی راهپیمایی‌های سراسری روز عاشورای حسینی اعلام کرده بودند که هدف از نهضت، انقلاب اسلامی است. اگرچه شاه بعد از آن در نطقی تلویزیونی اعلام می‌کند «مردم! صدای انقلاب شما را شنیدم، اما مهم‌ترین اقدام در این ایام شکل‌گیری شورای انقلاب است که هماهنگی‌های تظاهرات، اقدامات پیش از انقلاب و همچنین طراحی همه ارکان و ساختارهای بعد از انقلاب را برنامه‌ریزی می‌کند.

سه روز بعد از تشکیل این شورا و در ۲۶ به ۱۳۵۷، شاه از ایران می‌رود. رفتن شاه دو اثر مهم دارد، هم شادی و تقویت روحیه‌ای برای ملت انقلابی است و هم ارکان حکومت پهلوی را ناامید از ادامه حکومت می‌کند. ۳ روز بعد و در ۲۹ دی مصادف با باربعین حسینی، میلیون‌ها ایرانی در خیابان‌ها به انقلاب اسلامی ایران اعلام وفاداری می‌کنند. روزنامه اطلاعات در تیتیر بالای صفحه خود این راهپیمایی را رأی اعتماد به انقلاب اسلامی اعلام می‌کند و در تیتیر درشت‌تر خود زیر لوگو می‌نویسد: «اعلام اصول جمهوری اسلامی.»

در این سو و پس از رفتن شاه از کشور، شورایی برای حفظ سلطنت تشکیل شده است و «سید جلال‌الدین تهرانی، به‌عنوان رئیس این شورا، دو روز پس از خروج شاه برای ملاقات و مذاکره با امام خمینی^(ع) عازم پاریس می‌شود، ولی پیام امام مبنی بر غیرقانونی بودن شورای سلطنت، این ملاقات را غیرممکن می‌کند و همچنین امام، شرط ملاقات، را استعفای کتبی تهرانی با اعلام این نکته که شورای سلطنت غیرقانونی است، بیان می‌کند. استعفا رقم می‌خورد و به دنبال آن جمع کثیری از نمایندگان مجلس نیز استعفا می‌دهند.

با پشتوانه این اتفاقات است که مردم قم در ۳ بهمن ۱۳۵۷ می‌رسند، این روز برای قمی‌ها روز ویژه‌ای است. یکی اینکه مردم قم در اعتراض به سفر شاه به قم و لایحه اصلاحات ارضی او (۳ بهمن ۱۳۴۱) در تظاهراتی طاق نصرتی را که برای استقبال از شاه تهیه و نصب شده بود، به آتش کشیده بودند. به همین دلیل نظامیان مدرسه فیضیه را به محاصره درآوردند و طلاب و مردم را مضرub ساختند. حادثه‌ای که سبب شد امام خمینی^(ع) خواستار عزل نخست‌وزیر وقت شود و همچنین از مردم قم بخواهد که در روز چهارم بهمن که روز سفر شاه به قم است، از خانه‌های خود بیرون نیایند. علاوه بر این محمدرضا پهلوی در همین روز (۲ بهمن ۱۳۴۵) کتابی را تحت عنوان انقلاب سفید منتشر کرده بود.

شهر قم در سالروز این اتفاقات به طور کامل در دست نیروهای مردمی می‌افتد و نیروهای نظامی به دلیل عدم توانایی در مقابله با قیام مردم، از شهر خارج می‌شوند. این‌گونه است که ارتش، تمام نیروهایش را از شهر قم فراخواند و مردم اداره امور، حتی وظایف پلیس راهنمایی و رانندگی را برعهده می‌گیرند. هم‌زمان با مردم قم در پاریس هم دانشجویان معترض ایرانی، کنسولگری ایران را به تصرف خود درمی‌آورند. به این ترتیب راهی که مردم قم در مخالفت با رژیم پهلوی آغاز کرده بودند، در ۳ بهمن ۱۳۵۷ به پایان می‌رسد.

شهر

SHAHRAANEWS.IR
۱۵



تاریخ و هویت